



احکام عزاداری

س: نظر شریف حضرت عالی نسبت به ادامهی حرکت دسته‌های عزاداری در شب‌های محرم تا نصف شب همراه با استفاده از طبل و سنج زنگین است؟
ج: به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهداء و اصحاب او (علیهم السلام) و شرکت در امثال این مراسم امر پسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگ‌ترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می‌شود یا فایق نفسه از نظر شرعی حرام است پرهیز کرد.

س: استفاده از طبل و سنج و شیپور و همچنین زنجیرهای که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج: اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برای مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد.

روایت تاریخی

فکر کن اگر نمی‌رفتیم

چه می‌شد!

زینب کبری یک نمونه بر جسته تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه کربلا خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والاخون در کربلا تمام شد. حادثه نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شدن این شکست نظامی ظاهري، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است.

دوشنبه این بیان علی (علی)، خوشید در خانه اهل بیت، فرزند پیغمبر و عزیز دل رسول الله، در رأس و میان آنها بود؛ دختر امیر المؤمنین باعزم و سرافرازی رفته بود که حسین بن علی (علی)، خوشید در خانه اهل بیت، فرزند پیغمبر و عزیز دل رسول الله، در رأس و میان آنها بود؛ دختر امیر المؤمنین باعزم و دیگران - فرزند امام حسین، فرزند امام حسن، جوان بر جسته وزیده و نادر بنتی هاشم، همه با این کاروان رفته بودند؛ حالاً این کاروان برگشته و فقط یک مدد برای این کاروان از مدینه بیرون رفت و دوباره برگشت، مدد برای مفاصله شده بود - یک نفر خدمت این شد، اما آن چیزی که موجب شدن این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به دیده رفتید، چه شد این است همی گفت؛ این کاروان در حال رفته بود که حسین بن علی (علی)، خوشید در خانه اهل بیت، فرزند پیغمبر و عزیز دل رسول الله، در رأس و میان آنها بود؛ دختر امیر المؤمنین باعزم و سرافرازی رفته بود؛ فرزندان امیر المؤمنین - عباس و عاصم - فرزند امام حسین، فرزند امام حسن، تا وقتی اصحاب بودند، می‌گفتند جانمان علی‌اکبر، پسر آقا و پسر امام وارهeme به امام نزدیکتر است، پس برای فداکاری از همه کسی از بنی هاشم - فرزندان امیر المؤمنین شایسته تر است. این هم یک مظہر امام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام کشیده، روح و داغ دیده اند؛ امام حسین نبود، علی‌اکبر به میدان جنگ بروند. می‌گفتند اول مامی رویم و کشته می‌شویم، اگر بعد منافع مادی، سود اقتصادی و شهوات هم در همین زمانی علی‌اکبر را شهید می‌کردند. این جماعت نسانی تقسیم کنند؛ این مجاہدت و سختی است؛ اول کسی که داوطلب میدان بروید. وقتی که نوبت به جانبازی و شهادت بنی هاشم رسید، اول کسی که می‌شود علی بن الحسین، علی‌اکبر است. در خواست اجازه برای میدان می‌کند،

از امام حسین بیاموزید

حلول ماه محرّم، ماه حماسه و شجاعت و فدای کاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تابد محکوم و داغ باطل بر استقلال طلبان و حقوقیان بر تانکها و مسلسلها

و جنود ایلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به شکست ابرقدرت‌هار ادر مقابله کلمه حق به ثبت رساند، ماهی که در حالی که استمکران بر مسلمین حکومت جارانه‌ای کند، در مقابل او اگر چه قوای شمانا همان‌گذاشته باشند پیا خیزید و استنکار کنید و اگر کیان اسلام را در خطر دیدند، فداکاری کنید و خون نثار ننمایند.

خطاطات رهبری

اجازه نداده‌ای نماز جماعت

بر پا کنید!

در همان نخستین روزهای زندان، ماه محرم سال ۱۳۸۷ قمری فرار سید. قاسمی بامن برای برپایی شاعر اسلامی در زندان همکاری می‌کرد، زندانیان را به برپایی نماز جماعت ترغیب می‌کرد. من امام جماعت نظامیان زندانی بودم و پس از نماز، برایشان سخنرانی وعظ می‌کردم. قاسمی هم بعد از من، روضه می‌خواند. چند شبی وضع به همین منوال ادامه یافت. یک شب افسر مسئول زندان وارد شد و دید نظم‌آمیان زندانی پشت سر یک زندانی سیاسی نماز می‌خواندند. انتظار داشت و وقتی وارد زندان می‌شود، سربازان به حال آماده‌باش باشند و به او سلام نظامی بدھند؛ اما همه رویشان به سوی قبله بوده‌هیچکس به او اعتنای نکرده مشاهده‌ای این صحنه بر او گران آمد و خشمگین از زندان بیرون رفت. وقتی نماز تمام شد، یکی از مسئولان زندان نزد من آمد و گفت:



حضور آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم عزاداری رزمندگان اسلام در سال ۱۳۶۷

ارزش شهدای کربلا

ارزش شهدای کربلا به این است که از حرم حق در ساخت ترین شرایطی که ممکن است انسان تصویرش را بکند، دفع کردند. ۸۴/۵/۵

خانواده (۲۰۰) ایرانی

عامل پیروزی «حضرت زینب» بود، والا خون در کربلا تمام شد

زینب کبری یک نمونه بر جسته تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه کربلا خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا تمام شد. حادثه نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شدن این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است.

حزب الله این است

جوان مسئولیت شناسی کربلا

همین جوان مسئولیت‌شناس است؛ او علی‌اکبر، پسر آقا و پسر امام وارهeme به امام نزدیکتر است. پس برای فداکاری از همه کسی از بنی هاشم - فرزندان امیر المؤمنین شایسته تر است. این هم یک مظہر امام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام کشیده، روح و داغ دیده اند؛ امام حسین نبود، علی‌اکبر به میدان جنگ بروند. می‌گفتند اول مامی رویم و کشته می‌شویم، اگر بعد منافع مادی، سود اقتصادی و شهوات هم در همین زمانی علی‌اکبر را شهید می‌کردند. این جماعت نسانی تقسیم کنند؛ این مجاہدت و سختی است؛ اول کسی که داوطلب میدان بروید. وقتی که نوبت به جانبازی و شهادت بنی هاشم رسید، اول کسی که می‌شود علی بن الحسین، علی‌اکبر است. در خواست اجازه برای میدان می‌کند،

در این برهه‌ی از زمان روی مسئله خانواده تکیه کنید. دشمن نه دشمن ایران یادشمن انقلاب؛ دشمن بشریت - تمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین برداخت. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم تقریباً حدود صد سال پیش تمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین برند؛ و یک جاهایی موقق شدند. در آن جاهایی که از خادور بودند موقق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ماموقق نشند اما دارند تلاش می‌کنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندواری کم، این به تعبیر غلط‌رشتشان «ازدواج‌های سفید» - که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است - همه‌ی اینها خاطر این است که خانواده از بین برود. ۹۷/۱۲۷ •

همه‌ی ایان حسینی، صاحبان بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را بیشتر نشان داد

در زیارات و کلاماتی که از ائمه (ع) راجع به بالفضل العباس رسیده است، روی او جمله تأکید شده است: یکی بصیرت، یکی وفا بصیرت بالفضل العباس کجاست؟ همه‌ی باران حسینی، صاحبان بصیرت بودند؛ اما او بصیرت را بیشتر نشان داد. در روز تاسوعاً... وقتی که فرقی بیداد شد که او خود را این بلاحات دهد، یعنی آمدند به او پیشنهاد تسليم و امان نامه کردند و گفتند ما تو را امان می‌دهیم؛ چنان برخورد جوانمردانه ای که داشمن را پشیمان نمود. گفت: من از حسین جدا شو!؟ وای بر شما! اف بر شما و امان نامه‌ی شما! نمونه‌ی دیگر بصیرت او این بود که به سه نفر از برادرانش هم که با او بودند، دستور داد که قبل از او به میدان بروند و مجاهدت کنند؛ تایان که به شهادت رسیدند. می‌دانید که آنها چهار برادر از یک مادر بودند: بالفضل العباس - برادر بزرگتر - جعفر، عبدالله و عثمان. انسان برادرانش را در مقابل چشم خود برای حسین بن علی قربانی کند؛ به فکر مادر داغدارش هم نباشد که بگوید یکی از برادران برود تایان که مادرم دلخوش باشد؛ به فکر سرپرستی فرزندان صغیر خودش هم نباشد که در مدینه هستند؛ این همان بصیرت است. وفاداری حضرت بالفضل العباس هم از همه‌ی بیشتر در همین قضیه‌ی وارد شدن در شریعه‌ی فرات و نوشیدن آب است. ۹۷/۱۲۶ •

۶ تصمیم خبر گان در ۱۴ خرداد

۱. اولین تصمیم خبر گان، پذیرش استغفاری آیت الله منظری از قائم مقامی رهبری بود؛ پیرو نامه‌ی امام خمینی در ششم فروردین ۶۸ خطاب به آیت الله جدید رهبری باره برای هر برگزاري خانواده منظری، وی از سمت قائم مقامی رهبری استغفار نموده بود.
۲. در قانون اساسی مصوب سال ۵۸ شرط «مرجعیت» به عنوان یکی از شرایط و صفات رهبر خبر گان گذاشتند و با کثیر قربی به اتفاق پذیرفته نظام جمهوری اسلامی ذکر شده بودند؛ این اصل در قانون شد. تنهاده‌ونفرماؤق پذیرش استغفار نمودند.
۳. هنگام ارتقا بینانگزار کبیر انقلاب اسلامی، شورای بازنگری قانون اساسی در حال تغییر برخی از بندها و مفاد آن بود و هنوز قانون اساسی به مجلس خبر گان در این پاره فرموده بودند: «مجتهد عامل مورد تأیید خبر گان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند».
۴. در خال مباحثی که اعضای مجلس خبر گان در موعد تأیید قرار گرفت این بود که قانون اساسی فعلی ملاک عمل قرار گیرد یا قانون اساسی جدید؟ نهایتاً خبر گان رهبری قرار گرفت.
۵. در خال مباحثی که اعضای مجلس خبر گان در موعد تأیید قرار گرفت، تعیین رهبر

- فردی رأی آورد.
- تصدی رهبری شورایی یافرده متعددی را بیزیرایی می‌دانند. پس از رأی اکثریت خبر گان به رهبری میان می‌توان به آیات و آقایان گلپایگانی، مشکینی، جوادی آملی، شیخ جواد تبریزی، خامه‌ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و حاج احمد خمینی اشاره کرد. اما به خاطر طولانی شدن جلسه، برخی اعضاء پیشنهادی که برای رهبری فردی در دستور کار مجلس خبر گان قرار گرفت، آیت الله خامنه‌ای بود. خود آیت الله خامنه‌ای که اثکارهای این مذکور در این میان جوانان از این میان روزه دار است، همه‌ی جادر حال ذکر و در حال توجه است و بهترین روزه داران از میان جوانانند. جلسات قرآن، جلسات دعا، جلسات توسل، جلسات تصریع و سخنرانی‌های طولانی هست... اعتکاف نیز همین طور بود. اصلاً اعتکاف در گذشته خیلی کم بود... امروز جوانان ما در دنیایی که نسل جوان روز به روز، رو به فساد پیشتر می‌رود - در این مملکت روز به روز پاکیزه‌تر، طاهرتر و نورانی ترمی شوند. ۱۲/۲۶ المیهه بیان محسان و خوبی‌های مردم ایران بدان معنی نیست که چشم را بروی کاستی‌ها و ضعف‌های پوشانیم و آنها را نادیده بگیریم، در را باید دید و در صدد درمان آن برآمد، که اتفاقاً این در دهانیز عدالت‌ناشی از بروز رفتارهای غیردینی جامعه بوده است.
- نسبت‌رشد‌های دشمنی‌ها اما رشد و وضعیت دینداری در ایران در حالی است که «اما مواجه هستیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه؛ یک جبهه‌ی عظیمی از لحظ فرهنگی دارند به ماته‌جام می‌کنند؛ این هم در خلال حرف‌هایشان هست، البته مامی دانستیم این حرف را، اما حالاً دیگر خودشان هم صریح‌آمی گویند که «غلبه‌ی بر جمهوری اسلامی و غلبه‌ی بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موقوفیت‌آمیز نیست، ایلکه!» با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موقوفیت‌آمیز است؛ ذهن‌ها را باید تغییر داد، روی مغزها باید کار کرد، هوس‌ها را باید تحریک کرد، این را «الآن صریح می‌گویند» را باید نسبت نسبت رشد دینداری را باید با تضادها و دشمنی‌هایی که پی‌رامون آن وجود دارد مقایسه کرد. «کسانی امیدوار بودند جوان‌های مازال دین جدا کنند، طمع داشتند جوان‌های مازاگرم شهوت‌زندگی، مادیگری و امثال اینها کنند؛ اشتباه کردند. امروز عرصه‌ی جوانی مازا، طبقه‌ی جوانان مازا از لحظ کمیت و کیفیت، نسبت‌شان از مسن‌ترها اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. جوان‌های مؤمن امروز ماو کسانی که دل در گرو انقلاب دارند، که نه امام را دیدند، انگیزه‌شان، همت‌شان از جوان‌های دوره‌ی را دیدند، انگیزه‌شان، همت‌شان از جوان‌های دوره‌ی را دیدند، اما این است حقیقت آن اتفاقی که جو شهیدی از ایمان‌های مردم و اعتماد مردم و خواست حقیقی مردم است. حالاً چهار نفر آدم دلداده بده بیگانه‌ی ای پول گرفته از بیگانه - همه‌شان یک‌جور نیستند - بیاند یک چیز بگویند، اما واقعیت قضیه این است. ۸۵/۱۲۸
- محروم و عزاداری بر سید الشهداء، یکی از آن مقاطعی در سال است که به خوبی بیانگر وضعیت دینداری مردم ایران است. فرهنگ ایشان از جوانان نقطه‌ی نقلی است که هم «علت محدث»ی ای اتفاق اسلامی بوده است و هم «علت مبقيه»ی آن و تاعشوار از نده است، این اتفاق زنده است.

تكلیف را باید به موقع و در لحظه مناسب انجام داد

امام حسین (ع) در فهم «موقع» اشتباه نکرد. در قبیل از حادثه کربلا، ده‌سال امامت و مسؤولیت با او بود. آن حضرت در مدینه مشغول کارهای دیگری بود و کار کربلای نمی‌کرد؛ اما به مجرد این که فرسته به او اجازه داد که آن کار مهم الرنجام دهد، فرسته را شناخت و آن را چسبید؛ موقع را شناخت و آن را درست نداد. ۷۷/۹/۲. مسئله مشکل برخی از افراد و مجموعه‌ها این است: بی ایمان نیستند، بی شوق و بی محبت هم نیستند؛ اما الحظه شناس نیستند. ۸۸/۱۰/۲۹

کار جامعه اسلامی تمام است اگر...

.....

در هر جامعه و شهر و کشوری، از یک دیدگاه، مردم به دو قسم تقسیم می‌شوند: یک قسم کسانی هستند که بر مبنای فکر خود، از روی فهمیدگی و آگاهی و تضمیم گیری کار می‌کنند. راهی را می‌شناسند و در آن راه - که به خوب و بدش کار نداریم - گام برمی‌دارند. یک قسم اینها هستند که اسم شان را «خواص» می‌گذاریم. قسم دیگر، کسانی هستند که نمی‌خواهند بدانند چه درست و چه حرکتی صحیح است. در واقع نمی‌خواهند بفهمند، بسنجند، به تحلیل پردازند و درک کنند. به تعیری دیگر، تایع خوند. این قسم از مردم را «عواو» می‌گذریم. خواص، طبعاً دو جبهه‌اند: خواص جبهه‌ی باطل. عده‌ای اهل فکر و فرهنگ و معرفتند و برای جبهه‌ی حق کار می‌کنند. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ای او ظلم هست، نظام اسلامی نیست، قرآن حکومت نمی‌کند، تبعیض هست، زور گویی و چاپ‌لگری هست، قدرت یافتن بدون ملاک هست؛ بایستی قیام بکند. مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه اصلی را تشخیص بدھیم. این نکته‌ی مهم است که حسین بن قیام کرد. هر داشتباشد. ایام حسین (ع) برای تعلیم درسی به انسان ها قیام کرد و آن درس این بود که هر وقت انسان مسلمان، دید در جامعه ا